



محمدالله و طندوست

## کودکان افغانستان شاید بد چانس ترین، بد بخت ترین و محروم

### ترین کودکان جهان باشند

وقتیکه در کشوری بیشتر از شصت در صد جمعیت با فقر دست به گریبان باشد و کتله های عظیمی از مردم کار نداشته باشند، در کشوری که دو میلیون انسان در طول سال های جنگ شهید و کشته شده باشند، کشوری که بیشتر از سه میلیون معتاد به مواد مخدر داشته باشد، در کشوری که بیشترین تلفات را مادران و کودکان در مقایسه با کشور های همسایه داشته باشند، در کشوری که میلیون ها انسان بیجا شده از قریه و قصبه در زیر خیمه ها و خانه های غیر صحتی حیات بسر می برد، در کشوری که اطفال و نو جوانان از ذباله دانی غذای روزانه خود را در یافت می دارد، در کشوری که به کودکان رفتن به مکتب و نشستن در چوکی متعلمی آرزوی غیر قابل دسترس باشد، کار کودکان امرطبعی است و هیچگونه تعجبی را بر نمی انگیزد.

طبق خبر نشر شده عده یی اطفال و نو جوانان در معادن ذغال سنگ دره صوف ولایت سمنگان در شرایط بی نهایت خطرناک و غیر صحتی به کار شاق مصروف اند . این اطفال خود ذغال سنگ را از عمق زمین با دستان کوچک خود استخراج می کنند و توسط حیوانات باربر از معدن بیرون می کشند و در قبال چنین کار شاق و طاقت فرسا پول نا چیزی در یافت می دارند تا به خانواده در مانده و محتاج خود کمک کنند . این اطفال در صحبت با ژورنالیست تلویزیون طلوع از مجبوریت خود در کار کردن و احتیاج وحشتناک خانواده های شان به کار آنان ، قصه ها و حکایت های تلخی داشتند که هر انسان با احساس را با اندوه عمیق و درد جانکاه مواجه می کرد.

آنان بلا استثنا از علاقمندی شان به تعلیم و تحصیل یاد می کردند و آرزومند بودند تا کاری کمتر شاق و کمتر خطرناک داشته باشند . اطفالی که باید با بازی های کودکانه توانائی های جسمی و ذهنی خود را رشد می دادند و با تحصیل و تفریح با روحیه عالی بزرگ می شدند، در سنین هشت، نه تا دوازده و سیزده سالگی همچون پیر مردان از مجبوریت تامین تفقه فامیل صحبت می کنند و خود را مکلف می دانند تا نان آور خانواده باشند.

البته کار شاق کودکان تنها در معدن ذغال سنگ سمنگان محدود نمی شود . هزاران طفل در ورکشاپ ها، قالین بافی ها و کفاشی ها نیز در شرایط سخت به کار مشغول اند. عده یی از کودکان با رنگ کردن بوت یا با دست فروشی چند پول سیاهی بدست می آورند و به خانواده های خود مدد می رسانند .

آیا جامعه، دولتمردان ، موسسات مسوول کودک ، موسسات خیریه و ثروتمندان در برابر این اطفال مکلفیت و وظیفه یی دارند یا خیر؟

آیا دولت در قبال آنان مسوولیتی احساس می کند؟

مسئله جواب منفی است .

اگر دولت پاسخگو و مسوولی وجود داشته باشد کار شاقه کودکان را منع و زمینه اشتغال پدران و مادران این کودکان را مساعد می نماید و امکان تحصیل کودکان کشور را بلا استثنا فراهم می سازد . اگر مافیای اقتصادی در سیزده سال گذشته در کشور مسلط نمی بود، اگر جنایت کاران بنام جهاد و مذهب در گرده مردم سوار نمی بودند، اگر کمک های جهانی با چنین وحشت حیف و میل نمی شد ، اگر سیستم به اصطلاح بازار آزاد این چنین با آزادی کامل از جیب مردم هست و نیست شان را غارت نمی کرد ، اگر بجای محافل، متنگ ها ،گردهمائی ها، ورکشاپ های به اصطلاح آموزشی، تجلیل از تولد و مرگ قهرمانان خود تعیین کرده دولت، قسمتی از بودجه دولت به فقر زدائی و اشتغال زائی بمصرف می رسید، یقیناً اطفال معصوم ما ناچار نبودند تا در عمق چند صد متری زمین به کار شاق استخراج ذغال سنگ پردازند و در شرایط کاملاً خطرناک، مضر و غیر صحتی با حیات خود بازی نمایند.

در صورتیکه درحکومت وحدت ملی اراده ،تصمیم ومسئولیت وجود داشته باشد ، تامین آینده خوبتر برای اطفال وجوانان ما قابل پیشبینی است اما از آنجائیکه در حکومت وحدت ملی نیز همان مهره های بی عاطفه و بی احساس حاکمیت مافیائی کرزی تسلط عام و تام دارند داشتن چنین امید بیجا و اضافی خواهد بود.